

# تفسیر و بیش تفسیر

امبرتو اکو

ریچارد رورتی و جاناتان کالر

مترجم: فرزانه سجودی



۱۳۹۷

## فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم ..... هفت

پیشگفتار: تفسیر فسخ پذیر و فسخ ناپذیر / استفان کولینی ..... ۱

فصل اول: تفسیر و تاریخ / اومبرتو اکو ..... ۲۵

فصل دوم: بیش تفسیر متون / اومبرتو اکو ..... ۵۱

فصل سوم: بین مؤلف و متن / اومبرتو اکو ..... ۷۷

فصل چهارم: پیشرفت پراگماتیست / ریچارد رورتی ..... ۱۰۳

فصل پنجم: در دفاع از بیش تفسیر / جان اتان کالر ..... ۱۲۷

فصل ششم: پاسخ / اومبرتو اکو ..... ۱۴۵

## فصل اول

### تفسیر و تاریخ

#### اومبرتو اکو

در سال ۱۹۵۷ جی.ام. کستیل کتابی نوشت با عنوان ساعت خواننده [۱]. او بی تردید پیامبر بود. در سال ۱۹۶۲ من کتاب اثر باز<sup>۱</sup> را نوشتم [۲]. در آن کتاب از نقش فعال تفسیرگر در خواندن متن‌هایی که ارزش زیبایی‌شناختی به آن‌ها داده شده دفاع کردم. وقتی آن مطالب نوشته شدند، خوانندگان من بیشتر بر سویهٔ باز کل ماجرا متمرکز شدند، و به درک این واقعیت رسیدند که خوانش باز<sup>۲</sup> مورد حمایت من، فعالیتی بود که توسط یک اثر<sup>۳</sup> و با هدف تفسیر یک اثر (برانگیخته شده بود. به عبارت دیگر، من دیالکتیک بین حقوق متن و حقوق تفسیرکنندگان متن را مطالعه می‌کردم. این احساس را دارم که در دهه‌های گذشته، بر حقوق تفسیرکنندگان بیش از حد تأکید شده است.

---

1. *Opera aperta*  
3. work

2. open-ended reading

منتقدان خواننده‌مدار<sup>۱</sup> مایل‌اند فکر کنند که او انجیل لوقا را به طریقی خلاف عقل سلیم خوانده است. منتقدان غیرخواننده‌مدار<sup>۲</sup> خواهند گفت که جک قاتل گرفتار جنون بوده است؛ و من اعتراف می‌کنم که گرچه با الگوی خواننده‌مدار همدلی بیشتری احساس می‌کنم، و با وجود آنکه کوپر<sup>۳</sup>، لینگ و گتاری خواننده‌ام، در کمال تأسف بر این باورم که جک قاتل باید تحت مراقبت‌های پزشکی قرار گیرد.

می‌فهمم که مثال من خیلی مبالغه‌آمیز است و حتی تندروترین اساسان با من موافقت (امیدوارم، ولی که می‌داند؟). با وجود این، فکر می‌کنم که حتی چنین بحث متناقض‌نمایی را باید جدی گرفت. این بحث ثابت می‌کند که دست کم یک مورد هست که در آن می‌توان گفت تفسیر داده‌شده تفسیر بدی است. بر اساس نظریه پوپر در باب پژوهش علمی، همین یک مورد کافی است تا فرضیه تفسیر هیچ معیار عمومی ندارد را (دست کم به بیان آماری) رد کنیم. حال ممکن است کسی در مخالفت بگوید که تنها جایگزین نظریه تندروانه خواننده‌مدار نظریه کسانی است که می‌گویند تنها تفسیر معتبر آن است که می‌خواهد نیت اصلی مؤلف را بیابد. در برخی از نوشته‌های اخیرم پیشنهاد کرده‌ام که بین نیت مؤلف (که یافتنش بسیار دشوار است و غالباً ربطی به تفسیر متن ندارد) و نیت تفسیرگر (که به نقل از ریچارد رورتی) صرفاً متن را به شکلی درمی‌آورد که در جهت مقصودش باشد، امکان سومی نیز وجود دارد [۶] که نیت متن است.

در جریان درسگفتارهای دوم و سوم باید بگویم مقصودم از نیت متن را روشن کنم (نیت متن در تقابل با — یا در تعامل با — نیت مؤلف و نیت خواننده). در این درسگفتار اما به بازمینی ریشه‌های باستانی بحث معاصر درباره معنی (یا کثرت معانی، یا غیاب معنای متعالی) متن خواهم پرداخت.

در نوشته‌های اخیرم (یک نظریه نشانه‌شناسی، نقش خواننده، و نشانه‌شناسی و فلسفه زبان) [۳] به ایده پرسی نشانه‌پردازی نامحدود پرداختم. در سخنرانی‌ام در کنگره بین‌المللی پرس در دانشگاه هاروارد (سپتامبر ۱۹۸۹) کوشیدم نشان بدهم که مفهوم نشانه‌پردازی نامحدود نباید ما را به این نتیجه برساند که تفسیر هیچ معیاری ندارد. گفتن اینکه تفسیر (در حکم ویژگی پایه‌ای نشانه‌پردازی) بالقوه نامحدود است، به این معنا نیست که تفسیر هیچ موضوعی<sup>۱</sup> ندارد و «نهرهایی» است که هر جا بخواهد جاری می‌شود [۴]. گفتن آنکه متن انتها ندارد به این معنا نیست که هر عمل تفسیر می‌تواند پایانی خوش داشته باشد. برخی نظریه‌های معاصر نقد اظهار می‌دارند که تنها خوانش قابل اعتماد کژخوانی است، و متن تنها از طریق واکنش‌هایی که برمی‌انگیزد موجودیت می‌یابد، و آن طور که تودورف شیررانه توصیف می‌کند (به نقل از لیکتبرگ و با اشاره به بوهم) متن فقط پیک‌نیک است که مؤلف واژه‌هایش را می‌آورد و خوانندگان معنا را. حتی اگر این طور باشد، واژگانی که مؤلف [به این پیک‌نیک] آورده است مجموعه پیچیده‌ای<sup>۲</sup> از شواهد مادی است که خواننده نمی‌تواند در سکوت از آن‌ها بگذرد [۵]. اگر به درستی به خاطر بیاورم اینجا در بریتانیا بود که کسی سال‌ها پیش گفته بود که می‌توان با واژه‌ها کاری انجام داد.<sup>۳</sup> تفسیر متن یعنی توضیح آنکه چطور این واژگان می‌توانند به واسطه چگونگی تفسیرشان کارهای متفاوتی انجام بدهند (و واژه‌های دیگر نمی‌توانند). اما اگر جک قاتل<sup>۴</sup> به ما می‌گفت که بر اساس تفسیرش از انجیل لوقا آن کارها را انجام داده است، گمان می‌کنم بسیاری از

1. object

2. embarrassing

۳. مقصود کتاب آستین است با عنوان چطور با واژه‌ها کاری انجام دهیم. - م.

۴. Jack the Ripper: جک قاتل نامی است که به قاتلی زنجیره‌ای داده شد که در سال ۱۸۸۸ در محله‌های فقیرنشین لندن دست به قتل فاحشگان می‌زد. - م.

1. reader-oriented critics

2. non-reader oriented critics

3. Cooper